گفت و گو

عباس دوزدوزانی از بدلانه سحابی می‌گوید
ناراضی‌منصف

علی شاملو

عباس دوزدوزانی، اولین فرمانده سپاه پاسداران انقلاب و وزیر ارشاد دولت شهید رجایی، نماینده دوره‌های اول تا سوم مجلس و عضو اولین شورای شهر تهران و مدنی رییس آن بوده است. با او در محل کانون زندانیان سیاسی قبل از انقلاب به گفت‌وگو نشستیم عباس دوزدوزانی شش‌سال از عمر خود را قبل از انقلاب در زندان‌های سنندج‌های گذرانده است. دوزدوزانی از شاگردان دکتر سحابی بوده است.

▪ آشنایی شما با دکتر سحابی به چه زمانی بازمی‌گردد؟

آشنایی‌ام با دکتر سحابی به سال‌های ۳۹-۴۰ برمی‌گردد. مقدمه‌اش هم اجمالا این است که من در خرداد ۳۹ مدرک دیپلم گرفتم. دیپلمم هم طبیعی بود که لاله‌زار به آن می‌گویند تجربی. پدرم سواد نداشت و بعثت مذهبی- سنتی بودند. ایشان فکر می‌کردند دانشگاه موجب بی‌دینی من می‌شود به این خاطر مانع شدند که من در دیگکور پزشکی شرکت کنم تا آنجایی که کار رسید به این مطلب که گفتند اگر دانشگاه بروی پسر نیستی! حالم خیلی بد بود استاد فرات قرآنم که دبیر ادبیات عرب بود با پدرم صحبت کردند ولی نتیجه حاصل نشد بعد درگوشی با من صحبت کردند و گفتند قلابی، من یک کلاسی سراغ دارم که کلاس بسیار وزینی است برای تربیت معلمه و مسوولش هم دکتر سحابی است.

▪ در تهران؟

بله در تهران. من خیلی آشنایی با دکتر سحابی و شخصیت‌های اجتماعی، سیاسی و علمی آن زمان نداشتم. یادم هست ۳۰۰ الی ۳۵۰ نفر شرکت کردیم. هشت‌نفر از پسرها بذیرفته شدند که من یکی از آن هشت‌نفر بودم و رفتیم به کلاسی که عرض کردم صاحب آن دکتر سحابی بود.

▪ درچه دبیرستانی؟

دبیرستان نبود. همین دانشگاه خوارزمی خیابان مفتح بود که قبلا دانشسرای مقدماتی بود و بعدها دانشگاه تربیت‌معلم شده است. دکتر سحابی که خدا قوی رحمتش کند به ما آموزش و پرورش تدریس می‌کردند. تدریس عملی بلد می‌دادند. مهندس بازرگان نوشتری به نام درس دبیناری داشتند. آقای گلزادغفوری هم آنجا درس می‌دادند.

▪ چه سالی بود؟

سال ۴۰-۳۹ تحصیلی. دست‌پرورده‌های آن کلاس را بنا به تجربه‌ای که از خود آموزش‌وپرورش آن زمان گرفته شده بود از همان اوایل سال ۴۰-۱۳۳۹ تحصیلی برای کارآموزی به مدارس تهران فرستادند. یعنی روزها علاوه بر شرکت در کلاس‌های خودمان می‌رفتیم سر کلاس‌های مدارس و تدریس می‌کردیم. خیلی کلاس فشرده‌ای بود. ما در آنجا یک دوره فقه اجمالی دیدیم. یک دوره اخلاق خودلیدر، یک دوره اصول عقاید خودلیدر، تفسیر خودلیدر و یک دوره همان درس دبیناری بود.

▪ ویژگی‌های شخصیتی دکتر سحابی چه بود؟

مردی شریف و اهل کرامت بود. واقعا انسانی بود که خودش را برای جامعه و اهدافش هزینه می‌کرد. یادم می‌آید یکی از اعضای کلاس حرکتش خیلی تراز نبود. ایشان در عین اینکه با قاطعیت می‌خواست به بکیاره از اشکال را رفع کند در عین حال از ته غلت کلام را صراحت در برخورد آمیخته و طوری برخورد کردند که او حساب کارش را کرد. یکسویش نهایت لطف و انس و همراهی و یکسویش قاطعیت بود. ایشان گاهی در کلاس بود گاهی در پشت میله‌های زندان. هر موقعی که توفیق می‌شد برای ملاقات ایشان به زندان می‌رفتم. گاهی هم خودمان زندانی می‌شدیم و در زندان همدیگر را می‌دیدیم...

▪ از دوران زندان ایشان خاطراتی دارید؟

مرد لضباط بود در آنجا. در اتاقی مذهبی، ایشان از کسانی بود که در زندان «تهجد» داشت. نماز شب و دعاهای شبانه را با اشتیاق تمام می‌خواند. کسانی که همزمان بودند اغلب، یک دیدی به این مسائل اصیل داشتند. نه اینکه ایشان، مهندس بازرگان هم همین‌طور بود. روحانی این بزرگواران هم مربوط آیت‌الله طالقانی بود و همه اینها شخصیت‌های وزینی بودند.

▪ می‌شود به مقطع دولت موقت، شما در دولت موقت که وزیر بودید؟

در دولت شهیدرجایی بودم.

▪ بعد از ورود به مجلس از مطالبی اول چه خاطره‌هایی در کمیسیون‌ها یا در صحن علنی از دکتر سحابی دارید؟

من با ایشان بیش‌تر در کمیسیون دفاع بودم. مجلس اول واحد افراد وزین و کارآمد و مجرب و بخته بود منتها از التهاب انقلابی و احساسات و عواطف تند که در آن دوره بود. ۱- آرمیده در بین بعضی نماینده‌ها - متاسفانه شایسته نشد یکی از آن موارد سرخوردگی ناهنجار و نمطلوبی بود که با همین مجلس اول شروع شد. مجلس اول دوره‌ای ناهنجار و نمطلوبی بود که با همین مومنان و متدین و انقلابی بودند اما متاسفانه از آنها در مجلس اول استفاده‌ای که باید شود، نشد.

▪ شهیدرجایی هم بیش از انقلاب علنو نهضت آزادی، دو مورد اختلاف مجلس و رییس‌جمهوری، دکتر سحابی چه برخوردی با شهید رجایی و حزبش بنی‌صدر داشت؟

اینها دوتا بحث‌های بسیار جدی‌اند. کسانی بودند که قبلا در «جبهه ملی» بودند یا یک بخشی که به مرور زمان بازیشان حاصل شده بود منتی اندیشانه اینها تدوین بودند یا منتی اعتقادی زندگی کرده و موضوعات‌بیانش را انجام می‌دادند در مجلس هم که بعد از انقلاب تشریف معتدل منی می‌کردند مشکلی برای انقلاب و مملکت و نظام پیش نیاید و تلاشمان در این مسیر بود.

▪ در مجلس با ایشان برخوردهایی هم شد.

بله. مبنا این بنائی از یک هیجان انقلابی بود که در جامعه جوانه می‌زد. خود من هم اگر الان یک به گذشته برگردم دیگر آن مواضع را ندارم. چون تجاربی کسب کرده‌ام‌ولی بود و متاسفانه کشور خسارت سنگینی از همین رهگذر دید.

▪ آقای دکتر سحابی را در مدرسه شرف و اتحادیه و دبیرستان را در مدرسه شرف مظفری، «دارالفنون» و «دارالمعلمین مرکزی» گذراند. سنی ما در سال ۱۳۰۷ در دارالمعلمین عالی با دانشرای عالی در شعبه علوم طبیعی تبدیلم کرد و در سال ۱۳۱۱ برای ادامه تحصیل به فرانسه اعزام شد و چهارسال بعد با دعوت دکترای زمین‌شناسی از دانشگاه ایران، به ایران بازگشت و به‌عنوان استاد رشته زمین‌شناسی در دانشکده علوم دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد.

فصل دوم: روبه سیاست از چه زمانی شروع شد؟ شاید باید در پاسخ به این سؤال نقش مهیبی برای آسنایی‌اش با مهندس بازرگان قایل شد و شاید وقتی در ابتدای سال ۱۲۹۹ شهر ۱ در اشغال نظامیان و قزاقان دید و صدای تیرهای آزادی که مدام

محمد توسلی در گفت‌وگو با «شرق»:

اصلاح و تقویت زیرساخت‌های فرهنگی- اجتماعی، اولویت دکتر سحابی بود

عکس: عهدی حسنی- شرق

۱۲سال از درگذشت دکتر یدالله سحابی، از بنیانگذاران نهضت آزادی و از مبارزان علیه رژیم پهلوی می‌گذرد اما هنوز می‌توان درخصوص وجوه شخصیتی، دوره‌های زندگی، خدمات، رفتار و منش او سخن گفت. سحابی تنها بر نسل خود تاثیرگذار نبود بلکه همواره تفکرات او در این چندسال مورد بازخوانی قرار گرفته و شاید بتوان افکار بخش اعظمی از فعالان نسل حاضر را- مستقیم یا غیرمستقیم- وامدار تفکرات و آموزه‌های این مرد دانست. دکتر سحابی را می‌توان انسانی چند وجهی دانست: از سویی فعال در امور تعلیم و تربیت، در سویی دیگر زمین‌شناسی قابل نوادیدن دینی، فعال سیاسی و مدعی و فردی فرهنگی است. اما اگر بخواهیم به‌صورت کلی نگاهی به زندگی وی داشته باشیم، دو بُعد فرهنگی و سیاسی ایشان بیش از ابعاد دیگر به چشم می‌آید. با این حال نمی‌توان از ابعاد و بازه‌های دیگر در تعلیم و تربیت و چهره آکادمیک او چشم‌پوشی کرد.

با مهندس محمد توسلی از یاران نزدیک به دکتر یدالله سحابی و نخستین شهردار تهران پس از انقلاب درخصوص وجوه مختلف بنیانگذار نهضت آزادی به گفت‌وگو نشسته‌ایم.

▪ آشنایی شما با دکتر سحابی به چه زمانی برمی‌گردد؟

من با نام ایشان در دوران تحصیل در دبیرستان رهنما آشنا شدم که فرزند ایشان نیز در آنجا تحصیل می‌کرد و مرحوم دکتر سحابی عضو لجنمن اولیا و مربیان مدرسه بودند. اما در سال ۱۳۳۵ پس از ورود به دانشکده فنی دانشگاه تهران و شروع فعالیت در انجمن اسلامی دانشجویان در عرصه‌های فعالیت فرهنگی و اجتماعی افتخار آشنایی و در مواردی همکاری با ایشان را داشتم. در سال ۱۳۴۰ که نهضت آزادی ایران تاسیس شد تا آخرین روزهای حیات ایشان همراهی و ارتباط نزدیکی با ایشان داشتم. حضور و نحوه سلوک ایشان در نهادهای فرهنگی و اجتماعی برای ما یک الگو بود. ایشان در عمل به ما درس اخلاق دموکراتیک و کار جمعی می‌دادند. ایشان و سایر پیشگامان، مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی در جلسات همکاری‌های جمعی از جمله در شورای مرکزی نهضت، برای خودشان بیش از یک رای سه قابل نبودند و تابع تصمیمات جمعی بودند. در برخی موارد در جلسات با وجود اینکه پیشنهادی مطرح می‌شد که مخالف بودند، اما وقتی به تصویب اکثریت می‌رسید به رای جمع احترام می‌گذاشتند و برای اجرایی کردن آن مصوبه تلاش می‌کردند. این خصوصیت را شما در کمتر اشخاصی می‌توانید بیابید. این خصوصیت را برای اجرایی کردن برنامه‌هایی که خود موافق نباشند تلاش کنند. اما هیچ‌گاه ما از مهندس بازرگان و دکتر سحابی را باید در «ایمان، توکل، تقوی و عمل صالح» (به تعبیر قرآن) توصیف کرد. این خصوصیت در اخلاق و رفتار ایشان در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی ایشان بروز و ظهور پیدا کرده است. برای رتدیداد دکترسیدالله سحابی دو یادداشت، یکی در زمان حیات ایشان به کوشش آقای محمد ترکمان و دومین یادداشت پس از درگذشت آن مرحوم به کوشش آقای علی اکرمی به چاپ رسیده است. برای آشنایی با این الیوه اخلاق و سلوک اجتماعی، که بدرستی عنوان دومین یادداشه

مهم‌ترین شاکله‌های شخصیتی دکتر یدالله سحابی را باید در «ایمان، توکل «تقوی و عمل صالح» (به تعبیر قرآن) توصیف کرد. این ایشان در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی ایشان بروز و ظهور پیدا کرده است

عدالت اقتصادی می‌دانستند. برای دستیابی به این اهداف ابتدا برای اصلاح و تقویت زیرساخت‌های فرهنگی- اجتماعی، برنامه‌ریزی و تلاش کردهاند که این امر تا آخرین روزهای حیاتشان ادامه داشته است. در مقاطع حساس تاریخی نیز برای اصلاح ساختارهای سیاسی اقدام کردهاند.

▪ به نظر شما مهم‌ترین ویژگی و بارزه‌های شخصیتی دکتر سحابی چیست؟

به نظر بنده مهم‌ترین شاکله‌های شخصیتی دکتر یدالله سحابی، مهندس بازرگان با آیت‌الله طالقانی؛ «در فاصله سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۶ در زندان سه کتاب نوشته شد که هر سه آنها الگوی زندگی بود. آیت‌الله طالقانی با کتاب «پرتوی از قرآن» با ظلم و ستم از پایگاه مسجد هدایت می‌جنگید. مهندس مهدی بازرگان با کتاب «اصول تعلیم اسلام» مهندسان را به تدریس در دانشگاه و تالیف، سنده نکرد. نخستین تاسیس سحابی را باید در «ایمان، توکل، تقوی و عمل صالح» (به تعبیر قرآن) توصیف کرد. این خصوصیت در اخلاق و رفتار ایشان در عرصه‌های مختلف زندگی فردی و اجتماعی ایشان بروز و ظهور پیدا کرده است. برای رتدیداد دکترسیدالله سحابی دو یادداشه

ادامه از صفحه ۷

تا لحظه قبل از انفجار بزرگ حجم در دوران تحول شیمیایی (Chemical Evolution) از این زمان به بعد، آغاز شد. بدین پیدایش شرایط مناسب در روی زمین، بدون پیدایش عناصر شیمیایی طبیعی، فلزات و شبه‌فلزات و بدون پیدایش آب حیات هرگز در روی زمین پدید نمی‌آمد.

با پیدایش آب در روی زمین و به علت نقش نور خورشید تبخیر آب و ایجاد ابر و حرکت ابرها در مناطق مختلف زمین، بارش باران در سرتاسر زمین ممکن و میسر و ایلون نشده‌های حیات در روی کره زمین مهیا شد. بعدا از انفجار بزرگ، ظاهر شد. دکتر سحابی، انفجار بزرگ را کلمه‌ای از الله و معنای این کریمه دانسته است که به این بطور رسیدهاند که تغییر و تحول در جهان ما لوا جهتدار یا سامانه‌مند و Directional است و تابعا هدفدار و جهتدار است. دکتر سحابی نیز از زمره همین دانشمندان معتقد به هدفمندی و هدفداری در تحولات زیستی یا تلفولوژی (Teleology) محسوب می‌شود. نظرات تئوملکیت‌ها هم نظلیور اثبات‌پذیر، درباره تحقیق مقصود، تنها در چارچوب اصل تلفولوژی قابل فهم و تفسیر است. اما دیدگاه دکتر سحابی در مورد هدمندی جهان، تنها منتاثر از دانش تخصصی او نبود و به عنوان یک مومن و مسلمان با قرآن آشنا بود. قرآن را درباره هدمندبودن آفرینش و هستی و انسان و سایر موجودات نیز می‌خواند و به قابل اعلیه در دانش علمی تخصصی‌اش، معلی عمیق‌ترین آیات را به‌خوبی درک می‌کرد که است.

درک دکتر سحابی از قرآن، قطعا مناسب‌ترین عینک و ذره‌بین برای درک و فهم آیات قرآن بود. این خصوصیت در سلوک و منش او، همین دعوت خداوند را بر شر محدود به فهم چگونگی پیدایش حیات نیست. در مورد بسیاری هدمین دعوت برای فهم چگونگی‌ها بعد از عمل امد است:

▪ الفیم بنظوا الی السماء فوقهم کیف بنیناها و زیناها (ق-۶)

▪ لولم ینظوا الی ملکوت السموات و الارض و ما خلق الله و شیء من (اعراف ۱۸۵) در این آیه (اعراف ۱۸۵) به وضوح اعلام شده فهم ملک و ملکوت (ظاهر و باطن) جهان هستی، آسمان‌ها و زمین، هر آنچه را که خدا خلق کرده است در ترسیم لسان و ماهیت و راه وصول به چنین دانشی، مساهمت و نظرکردن با آگاهی و بصیرت علمی به جهان بیون است.

هدف اصلی و عمده تکلیوهای علمی دانشمندان، بدون ورود به موضوع خالق، به فهم چگونگی پیدایش حیات معطوله است.

دانشمندان جهان برای یافتن پاسخ به سؤال چگونگی پیدایش حیات، تبدیل یا تکامل موجودات زنده همان رهنمی را که خداوند خود فرموده، اتخاذ کردهاند. یعنی از طریق پژوهش‌های علمی، یعنی گردش در زمین و مشاهده پدیده‌های خاص و گشنده.

در زیست‌شناسی، نظریه امتنـــاعـ انواع داروین، یکی از جنگ‌برترین و پرسروصدترین پاسخ‌ها به سؤال چگونگی خلقت انسان و موجودات است. بدون‌شک، از منظر علمی، نظریه تبدیل انواع داروین به تمام ابعاد و زوایای برسش در مورد چگونگی آغاز حیات و تنوع موجودات زنده جواب قانع‌کننده نیست‌ولی‌همین‌دعوت‌به‌گردش‌در زمین، راهنمایی است که به‌ما آموخته‌ایم که‌ما با چگونگی حیات و تنوع موجودات زنده، به‌ما آموخته‌ایم که‌ما با چگونگی حیات و تنوع موجودات زنده همراه شویم. نهضتی‌ما از شاه خواستند تا با چشم‌ها و گوش‌ها و عقل‌ها و دل‌ها، در مسیر خودشان استاندارد و چنین حرفی زنند.

دکتر سحابی از زمانی که به‌جهلو جدری و سیسی و واردِ عرصه سیاسی شدند، همواره دفت داشتند که با مسائلی با مضامیر مردمیز و کسب و جبری را که حق هست بگویند نه چیزی که با منافع شخص‌شان هماهنگ است.

▪ چه شد که ایشان پس از انقلاب وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب شدند؟

آن زمان ایشان از نظر سنی خیلی توانایی کار اجرایی نداشتند، چون اول انقلاب حجم کار بسیار بالا و بغدری زیاد بود که ما شب‌ها به منزل نمی‌رفتیم. ما و آقای مهندس بازرگان شبها در همان اتاق صندوقخانه می‌خوابیدیم. حتی یک‌ماه می‌شد که به منزل نمی‌رفتیم. بعضی اوقات که برای مصاحبه می‌رفتیم و تلویزیون مصاحبه را پخش می‌کرد، خانمم می‌گفتند که دشت کوچکم که دید، سه‌ماه پیر شده‌ام. نوروز رو می‌بوسد و می‌گفت: «باباه! منظورم این است که حجم کار بسیار زیاد بود. بنابراین به آقای دکتر مسوولیت کارهای تحقیقاتی داده شد. در کارهای تحقیقاتی، ایشان اطلاعات زیادی داشتند.

▪ دکتر سحابی در چه نقشی ایفا کرد؟

طبق قانون اساسی ما نام مجلس «مجلس شورای ملی» بود، اما تغییر نام در دستور کار مجلس بود. بعد از خودشدن طرح تغییر نام، مخالفان بلند شدند و گفتند: چند دقیقه‌ای سکوت مطلق شد. و دکتر سحابی بدون هماهنگی با سایر اعضای نهضت بلند شدند و گفتند مخالفا و بلند شدند. در مشروح مذاکرات مجلس این نطق هست- گفتند: «چرا دارید این کار را می‌کنید؟ مجلس شورای ملی، مجلس که مجلس است یعنی محل نشستن و تجمع، شورا هم که یک دستور مذهبی و قرآنی هست و بعد هم ملی هست یعنی که همه این آدم‌ها را مردم انتخاب کردند. کدام کلمه غیرمسلمانی هست که می‌خواهید عوض کنید؟» البته بماند که بعد از این نطق دکتر را «ام» و «پدر» قلمداد و قرار کشیدند. و بعد هم یک نفر هم موافق صحبت کرد و رای‌گیری کردند که رای هم آورد.

▪ دکتر سحابی بعد از مجلس هم فعالیت‌های زیادی داشتند. مثلا فعالیت در جمعیت دفاع از آزادی و همچنین امضای نامه معروف به ۹۰امضایی که به آقای هاشمی نوشته شد و موارد دیگر. کمی در این مورد صحبت کنید.

ایشان همواره برای دفاع از حق بیشترین مدافع در گفتن حقایق صحبت داشتند و البته می‌دانید که بعدها برخی روزنامه‌ها چهره‌ها که نوشتند ولی و حرف خودش را زد. آقای دکتر سحابی وقتی که بحث مسائل مهم مطرح می‌شد، پای آن می‌ایستاد. از نظر مسایل اخلاقی هم که تذکر دهم.

در زمان نمایندگی هم تکیه بر اخلاق می‌کردند و همواره می‌گفتند که باید اخلاق سیاسی داشته باشید. اگر یک نماینده‌ای اخلاق سیاسی نداشته باشد لطمه به شأن نمایندگی می‌دهد زده. اخلاق سیاسی را باید رعایت کرد. اخلاق هم مشخص است: خلافگشتن و تهمت‌زدن و غیبت‌کردن. باید هم صحت که این حدیث امام جعفر صادق را برای کسی نقل می‌کردند که می‌فرمایند: «امازاح طولانی و پرورگرفتن در روزهای سخت تابستان را ملاک افراد قرار ندهید. بیشتر جقدر راست می‌گویند و چقدر افامانت‌دار». و بعد توضیح می‌دهد که این امانتداری فقط این نیست که عده‌ای فکر می‌کنند مثلا اگر کسی پول یا چیزی پیش کسی قرار می‌دهد، صحیح و سالم تحویل بگیرد، بلکه در صورتی که به قول و قرار و تعهدی که دارد عمل نکنی، امانتداری را رعایت نکردی. پول این چیزها خیلی باشفاری داشتند.

نگاه

کارشناسی از داخل زندان

اصغر کورنگی*

آقای دکتر یدالله سحابی را از همان دوران بازداشت و مراجعت ایشان از تبعید برلزجان به زندان قصر می‌شناسیم. این آشنایی تا سال‌ها بعد در دولت موقت و حتی بعد از استعفای دولت هم ادامه داشت و من فریضه رفتار و سجایای اخلاقی ایشان شدم. رفتار ایشان در زندان بفقدری محترمانه و مودبانه بود که همه مامموران و افسران زندان تحت‌تاثیر ایشان قرار می‌گرفتند. مسردی بافضیلت، پرهیزگار، مطلع و استاد دانشگاه و یکی از برجسته‌ترین زمین‌شناسان ایران بودند.

مسن در زندان اغلب به دیدار ایشان می‌رفتم و از مصاحبت با او استفاده می‌کردم. اگر رژیم شاه هیچ کار خلاف و گناهی مرتکب نشده بود به نظر من تنها زندانی کردن و تبعید آقای دکتر سحابی و مهندس بازرگان و امثال ایشان برای سقوط آن رژیم کافی بود. در زمانی که دکتر یدالله سحابی در زندان بود نامه‌هایی از دادگاه‌های سراسر کشور خطاب به ایشان به زندان می‌آمد که از ایشان نظرشان را درباره قنوات و حریم چاه‌ها خواسته بودند و عجیب بود که در بعضی از دعاوی طرفین به نظر ایشان تمکین می‌کردند. چند سال قبل که جلد اول کتاب دایرالمعارف بزرگ اسلامی در تهران به همت و پشتکار جناب آقای موسوی‌بجنوردی انتشار یافت یک جلد برای آقای دکتر «سحابی» فرستاده شد یک روز ایشان تلفنی از من خواست که به دیدار ایشان بروم. مشتاقانه پذیرفتم. آقای مهندس «بازرگان» هم آنجا بودند. یک صفحه تایپشده به من دادند و گفتند بحثی که در رابطه با آدم ابوالبشر در جلد اول دایرالمعارف مطرح شده درست نیست. این نوشته را به آقای بجنوردی بدهید که به‌موقع تصحیح کنند. نوشته را دادم و ایشان هم قول دادند که بعد از بررسی هیات علمی در چاپ بعد تصحیح کنند.

بعد از انقلاب آقای دکترسحابی، مشاور نخستوزیر در طرح‌های انقلاب بودند و من شاهد بودم که ایشان جقدر از حواشی که داشت رنج می‌داد. شخصا می‌گفتند: مگر به من می‌گفت فلانی قرار ما این نبود.

یکروز ضمن شرح موضوعی در نخستوزیری بفشدت متاثر شدند و گریستند و من واقعا نگران شدم. به ایشان گفتم این در انتیار شما نیست که در این شرایط سنی بیتابی‌هایی مصلحت نیست که اینقدر ناراحتی یکشید. گفت چه کنم با پیش دوستان خودمان تعهداتی داریم. پیش خدای خود مسوولیتی داریم. جطور جواب بدهیم؟ من غلب به دیدار ایشان در خیابان خیابانی طبقه چهارم یا پنجم ساختمان شرکت بازار می‌رفتم. لحظاتی که در محضر این آقایان بودم احساس آرامش عمیقی به من دست می‌داد. یادم هست که برای تجارت تیمار سپهبد احمد مقدم؛ «آجرین رییس سازمان امنیت قبل از انقلاب با اتفاق جناب آقای دکتر «بازرگان» شرحی از خدمات تیمارمقدم به افراد متدین و مسلمان تهیه کردند و شبح دتی در دادگاه حضور یافته و چون نسبت به برخی خدمات ایشان مطلع بودند، مطالبی گفته بودند ولی موثر واقع نشد.

روزی برای صحبت در مورد قانون ملی‌شدن صنایع و کارخانجات به نخستوزیری رفتم و با جناب آقای دکتر «سحابی» صحبت کردم ایشان هم از این دخالت کلایمند و بشدت متاثر بود گفت فلانی ما جواب بزرگ اسلامی در تهران به همت و پشتکار جناب آقای موسوی‌بجنوردی انتشار یافت یک جلد برای آقای دکتر «سحابی» فرستاده شد یک روز ایشان تلفنی از من خواست که به دیدار ایشان بروم. مشتاقانه پذیرفتم. آقای مهندس «بازرگان» هم آنجا بودند. یک صفحه تایپشده به من دادند و گفتند بحثی که در رابطه با آدم ابوالبشر در جلد اول دایرالمعارف مطرح شده درست نیست. این نوشته را به آقای بجنوردی بدهید که به‌موقع تصحیح کنند. نوشته را دادم و ایشان هم قول دادند که بعد از بررسی هیات علمی در چاپ بعد تصحیح کنند.

بعد از انقلاب آقای دکترسحابی، مشاور نخستوزیر در طرح‌های انقلاب بودند و من شاهد بودم که ایشان جقدر از حواشی که داشت رنج می‌داد. شخصا می‌گفتند: مگر به من می‌گفت فلانی قرار ما این نبود.

یکروز ضمن شرح موضوعی در نخستوزیری بفشدت متاثر شدند و گریستند و من واقعا نگران شدم. به ایشان گفتم این در انتیار شما نیست که در این شرایط سنی بیتابی‌هایی مصلحت نیست که اینقدر ناراحتی یکشید. گفت چه کنم با پیش دوستان خودمان تعهداتی داریم. پیش خدای خود مسوولیتی داریم. جطور جواب بدهیم؟ من غلب به دیدار ایشان در خیابان خیابانی طبقه چهارم یا پنجم ساختمان شرکت بازار می‌رفتم. لحظاتی که در محضر این آقایان بودم احساس آرامش عمیقی به من دست می‌داد. یادم هست که برای تجارت تیمار سپهبد احمد مقدم؛ «آجرین رییس سازمان امنیت قبل از انقلاب با اتفاق جناب آقای دکتر «بازرگان» شرحی از خدمات تیمارمقدم به افراد متدین و مسلمان تهیه کردند و شبح دتی در دادگاه حضور یافته و چون نسبت به برخی خدمات ایشان مطلع بودند، مطالبی گفته بودند ولی موثر واقع نشد

ادامه از صفحه ۷

فصل اول: در سال ۱۲۸۴ در یکی از کوچه‌های گذر و زیر دفتر در محله سنگلج تهران متولد شد. احداد پدری‌اش اصل اصفهان بودند و احداد مادری او نسب به خاندان مصطفایی می‌برد. سحابی دوران ابتدایی را در مدرسه «شرف و اتحاد» و «اتحاد» و دبیرستان را در مدرسه «شرف مظفری»، «دارالفنون» و «دارالمعلمین مرکزی» گذراند. سنی او در سال ۱۳۰۷ در دارالمعلمین عالی با دانشرای عالی در شعبه علوم طبیعی ثبت‌نام کرد و در سال ۱۳۱۱ برای ادامه تحصیل به فرانسه اعزام شد و چهارسال بعد با دعوت دکترای زمین‌شناسی از دانشگاه ایران، به ایران بازگشت و به‌عنوان استاد رشته زمین‌شناسی در دانشکده علوم دانشگاه تهران مشغول به تدریس شد.

فصل دوم: روبه سیاست از چه زمانی شروع شد؟ شاید باید در پاسخ به این سؤال نقش مهیبی برای آسنایی‌اش با مهندس بازرگان قایل شد و شاید وقتی در ابتدای سال ۱۲۹۹ شهر ۱ در اشغال نظامیان و قزاقان دید و صدای تیرهای آزادی که مدام

گوش شهر را می‌خراشید و سکوت تاریک شب‌ها او را وادار به تفکر کرد او آن شبها فکر کرد که چقدر وطن را دوست دارد و در اینجا بود که علاقه و عشق به ماموطن در او نمایان شد. شاید برای همین بود که وقتی در سال ۱۳۰۴ قدرت مصدق در مجلس پنجم، علیه رضاخان نطق معروف خود را ایراد کرد خیلی در او تاثیر گذاشت و همین عشق بود که بعدها به همفدیه دیگر اعضای نهضت آزادی باور خود را در «ایرانیت، اسلامیت و مصلحانگی» همراه می‌کرد با باوری که سخت به جان شاه هراس انداخته بود. اگرچه او در سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۱۰ جزو علاقمندان و پیروان شیعه مدرس بود اما، اولین ملاقاتش با مصدق در سال ۱۳۱۲ در عرضه کشتی که از فرانسه به ایران عازم بود او را درصدد هدایت کرد به دریای مبارزات و کشتگری اجتماعی سیاسی از شهریور ۱۳۲۰ از حرکت‌های آزادیخواهی و ملی حمایت می‌کرد بعد از تشکیل جبهه ملی از طرفداران آن و مرجع مصدق در دانشگاه بود و در جریان ملی شدن صنعت نفت با حکم مرحوم مصدق از بخش اکتشاف و استخراج شرکت ملی نفت بود. او از سال ۳۲ بعهد وارد مبارزات سیاسی شد. منتها در آن‌موقع جریانات مخفی ملی نهضت نفت، مقوت وجود داشت که ایشان، مرحوم مهندس بازرگان، مرحوم حاج آقا رضا زنجانی و عدهای از روحانیون و غیرروحانیون در مخالفت و مقاومت در مقابل کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و رژیم قبل بودند. در سال ۱۳۴۱ در جریان رفراندوم انقلاب سفید شاه بازداشت شد و متعاقب آن محاکمه و همراه مرحوم آیت‌الله طالقانی چهارسال زندان محکوم شد و هشتماه بعد به بزرجان تبعید شد و از سال ۱۳۴۵ تا ۱۳۴۷ بعد چون قبلا جبهه نهضت آزادی مسمنوع اعلام شد بطور مخفی در حرکت‌های ملی و مذهبی و حمایت از جنبش فلسطین و تهیه مقدمات انقلاب دهه ۵۰ همراه مهندس بازرگان و مرحوم طالقانی فعالیت می‌کرد پس به از انقلاب با مسئولیت شورای انقلاب به عضویت دولت موقت او امور وزیر مشاور در طرح‌های انقلاب شد در انتخابات مجلس اول شورای اسلامی نماینده تهران و اولین رییس

پیشگام همکنشی دین و علم

لیلا ابراهیمیان

در علوم طبیعی ایجاد کرده بود از «دیبرستان کمال که در تهران سرنوشت تعطیلی و انحلال را دریافت داشت و بعد از آن دیبرستان کوثر نیا شد در تلاش بودند و تعلیم دین و خوشنشانی می‌دادند. به قول «فقار فرزندی» و صفات بنیچگاه اسلامیت، ایران‌دوستی، اعتدال و فرهنگ دوستی و حفظ منافع ملی را دکترسحابی با هم داشت. اینها مثلث منوری بودند که رژیم با آن اصلی حملی می‌کرد و این سه بار دیرین بر هم تاثیر و تاثر داشتند.

فصل چهارم: مردی از اعضای تاسیس نهضت آزادی ایران خواهان تحول و دگرگونی بود. شورایعالی جامعه‌ای که دستور تحولات زنده به همراه تغییرات کمی و کیفی را با وسواس علمی و همان معنای مصطلح در زبان فارسی (با عربی) بحث می‌شود. همان معنایی که در فرهنگ خارجی برای Biological Evolution وجود دارد. دکتر سحابی برجستگی خاصی دارد دیبش از جنبه‌های علمی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آن مرحوم، ایمان و خلوص دینی ایشان است. بر اساس این نوع نگرش دینی دور از شرک و خرافه است که ایشان و همراهانشان مهندس بازرگان و طالقانی و اندامدهنگان راه آن بنیانگذاران، عمل صالح خود را در مقاطع مختلف برگزیدهاند و در طول بیش از ۶۰ سال خدمات فرهنگی- اجتماعی و سیاسی از انجام فکری و خدماتی برخوردار بودهاند و بر تحولات اجتماعی ایران تاثیرگذار بودهاند. ایمان و خلوص دینی از دکتر سحابی شخصیتی ساخته که در زندگی شخصی منظم و منضبط و پرکار و در عرصه خدمت‌رسانی به مردم صادق و بی‌منت بوده و با نگاه راهبردی به تامین نیاز واقعی مردم یعنی توسعه انسانی برداخته و لذوخته خود را نیز وقف ادامه خدمات فرهنگی و اجتماعی کرده است. در عرصه فعالیت اجتماعی و سیاسی برخوردار از روحیه کار جمعی و به‌جای هدف‌گیری قدرت و منافع فردی و گروهی به دنبال حاکمیت ارزش‌ها و اصلاح جامعه بود. بیشترین تساهل و مدارا را با مردم داشت و همواره به خدا و آخرت توکل و توجه داشت و مقلوم و استوار چون کوه می‌ایستاد.

▪ می‌توان دکتر سحابی را معلم اخلاق در سیاست و سلوک اجتماعی نامید. ایشان توانست اخلاق را با سیاست پیوند دهد. به نظر شما عملکرد افرادی که وظیفه پاسداری از این میراث را برای خود قایل بودند، در انتقال تجربه و آشنایی اخلاق و مسلک ایشان چگونه است؟

به نظر بنده بار خوانی اینها مختلف شخصیت‌هایی نظیر دکتر سحابی که با رعایت اخلاق، سلوک انسانی و اعتدال برای توسعه پایدار و پیشرفت کشور به صورت راهبردی و هماهنگ منتاً خدمات گسترده‌ای بودهاند، می‌تواند برای تقویت هویت ملی و دینی جوانان کشور بسیار مفید و آموزنده باشد. بر این پایه برای پاسداری از این ارزش‌ها در مرحله اول باید خودمان را با زمینه‌ها و فرآیند شکل‌گیری شخصیت این بزرگان آشنا و متخلق سازیم تا با ورثی و درایه آنها فکر می‌کرد. وی مشاهدات و تفکرات خود را در زمان و مسکان به همان معنای مصطلح در زبان فارسی (با عربی) بحث می‌شود. همان معنایی که در فرهنگ خارجی برای Biological Evolution وجود دارد. دکتر سحابی برجستگی خاصی دارد دیبش از جنبه‌های علمی و فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی آن مرحوم، ایمان و خلوص دینی ایشان است. بر اساس این نوع نگرش دینی دور از شرک و خرافه است که ایشان و همراهانشان مهندس بازرگان و طالقانی و اندامدهنگان راه آن بنیانگذاران، عمل صالح خود را در مقاطع مختلف برگزیدهاند و در طول بیش از ۶۰ سال خدمات فرهنگی- اجتماعی و سیاسی از انجام فکری و خدماتی برخوردار بودهاند و بر تحولات اجتماعی ایران تاثیرگذار بودهاند. ایمان و خلوص دینی از دکتر سحابی شخصیتی ساخته که در زندگی شخصی منظم و منضبط و پرکار و در عرصه خدمت‌رسانی به مردم صادق و بی‌منت بوده و با نگاه راهبردی به تامین نیاز واقعی مردم یعنی توسعه انسانی برداخته و لذوخته خود را نیز وقف اد